

مریم شهبازی

خبرنگار

بیست‌وچهار سال از انتشار نخستین ترجمه مهشید میرمعزی می‌گذرد؛ مترجمی که تا به امروز بیش از پنجاه عنوان کتاب روانه کتاب‌فروشی‌ها کرده و به‌رغم جایگاهی که میان اهالی کتاب و دوستداران ادبیات یافته هنوز هم مهم‌ترین دغدغه‌اش تعهدی است که از یک سو به مخاطب و از سوی دیگر به صاحب اثر دارد. او طی سال‌ها کار مداوم نقشی بسزا در معرفی نویسندگان امروز آلمان به مخاطبان ایرانی ایفا کرده، نمونه‌اش ترجمه تازه‌ای است که به همت او و با همکاری نشر ثالث روانه کتاب‌فروشی‌ها شده است. «دختر راه دور» نوشته «رناته آرنز» که به‌گفته میرمعزی، داستانی خوشخوان و مناسب حال و هوای این روزهاست که اغلب مان با مشکلات و نگرانی‌های برآمده از شیوع بیماری کرونا دست‌به‌گریبان هستیم، البته بهتر است همین ابتدا بدانید در این رمان برخلاف اغلب ترجمه‌هایی که از میرمعزی سراغ داریم خبری از زد پای جنگ جهانی دوم و دوره نازی‌ها نیست؛ «دختر راه دور» روایتی از ماجراجویی است که می‌تواند در هر نقطه‌ای از جهان گریبان خانواده‌ها را بگیرد. اطلاعات بیشتر درباره این کتاب و همچنین وضعیت امروز ادبیات آلمانی را در گفت‌وگوی امروز می‌خوانید.

■ **چطور شد که به سراغ کتابی از «رناته آرنز» رفتید؟ آن هم در شرایطی که برای نخستین مرتبه شاهد انتشار کتابی از این نویسنده آلمانی هستیم!**

اغلب ترجمه‌هایی که انجام داده‌ام از نویسندگانی بوده که پیش‌تر، مخاطب آنان را نمی‌شناخته یا آثاری که شاید نویسنده شناخته‌شده داشته‌اند اما در دسترس علاقه‌مندان قرار نگرفته بودند. پرهیز از دوباره‌کاری یکی از مهم‌ترین معیارهایی است که در انتخاب آثار برای ترجمه قائل هستیم، شما به کارهای «هرمان هسه»، «توماس مان»، «گوتتر گراس» یا حتی «هاینریش بل» نگاه کنید! همه اینها نویسندگان فوق‌العاده خوبی هستند اما حداقل چند مترجم سراغ آثار آنان رفته‌اند. خوب در چنین مواردی ترجیح می‌دهم سراغ فرد یا اثری بروم که می‌دانم ضمن برخورداری از استانداردهای لازم، بیش‌تر روانه کتابفروشی‌ها نشده‌اند. از خودم می‌پرسم در ترجمه تکراری قرار است چه کاری انجام بدهم؟ چه چیزی را ثابت کنم؟ این که من بهترم! نه، من اهل دوباره‌کاری نیستم.

■ **گذشته از تأکیدی که بر پرهیز از دوباره‌کاری دارید به‌نظر می‌رسد طی این سال‌ها بخشی از تلاش‌تان متمرکز بر معرفی نویسندگان جدید آلمانی به مخاطبان بوده‌همچون ترجمه‌هایی که از آثار «ایریس رادیش» انجام داده‌اید.**

بله، خب فلان نویسنده‌ای را که جایزه نوبل گرفته همه می‌شناسند، وقتی مترجمان خوبی آثارش را ترجمه کرده‌اند من نیازی به دوباره‌کاری نمی‌بینم. از طرفی علاقه‌مند هستم که نویسندگان تازه‌نفس ادبیات‌معاصر امروز آلمانی را به مخاطبان معرفی کنم. کتاب «کامو آرمان سادگی» («ایریس رادیش» را که ترجمه کردم من اغلب بر آن کش، کمی بعد کتاب دیگر رادیش با عنوان «آخرین چیزها» را که به مصاحبه‌های آخر عمر نویسندگان مشهور تعلق دارد هم ترجمه کردم وگرنه تمرکز من اغلب بر رمان است.

■ **البته به‌غیر از همین کتابی که درباره کامو ترجمه کردید!**
بله این‌کتاب «ایریس رادیش» در زمره زندگینامه‌ها قرار می‌گیرد. اتفاقات رجمه‌ستخی هم داشتم، هرچند که هرگز از کار نترسیدم اما مسأله اینجاست که خودم را نسبت به مخاطب و از سویی صاحب اثر متعهد می‌دانم. به همین خاطر نیز از ترجمه‌های شناخته‌ده پرهیز می‌کنم. سال‌ها کار مداوم به‌من نشان داده که در جایگاه مترجم با مخاطبانی هوشمند روبه‌رو هستم. اتفاقی که بارها آن را حتی از زبان نویسندگان خارجی که به ایران سفر کرده‌اند هم شنیده‌ام؛ بر اساس تجربه‌ام از حضور در جلسات ادبی که این نویسندگان در آنها حضور داشته‌اند بارها از شگفت‌زدگی آنان در مواجهه با پرسش و پاسخ‌های کتابخوان‌های ایرانی شنیده‌ام. اغلب از این که می‌بینند ایرانیان اینقدر خوب نویسندگان دیگر کشورها را می‌شناسند اظهار شگفتی می‌کنند.

وقتی «ایریس رادیش» برای جلسه رومانی و نقد کتاب «کامو آرمان سادگی» به ایران آمد از سؤالاتی که حاضران درباره کامو پرسیدند متعجب شده بود. آنقدر که گفت چه سؤالات خوبی پرسیدند! برای او جالب بود که حاضران در جلسه حتی ماجرای اختلاف کامو با سارتر را هم می‌دانستند. خوب این به دلیل ترجمه‌هایی است که انجام شده و می‌شود، که نتیجه‌اش تا جایی که خود من دیده‌ام یا از دیگر دوستان مترجم شنیده‌ام باعث تعجب اهالی کتاب دیگر کشورها می‌شود.

■ **این اظهار شگفتی تحت تأثیر تبلیغاتی است که همچنان سعی در ارائه تصویری اغراق شده از کشورمان دارد؟**

بله، تصویری که اغلب از کشورهایی همچون ایران در غرب و آمریکا ارائه می‌شود چندان خوب نیستند؛ آنها هنوز هم فکر می‌کنند ما ملتی عقب افتاده‌ایم. به‌همین خاطر از مواجهه با واقعیت تعجب می‌کنند که مگر اینها ملتی عقب‌افتاده نیستند؟ پس چطور است که سارتر را می‌شناسند، کامو را خوانده‌اند و می‌دانند جریان روزیات جهان چیست؛ در اغلب این مواقع از سؤالاتی که مردم می‌پرسند احساس خوشحالی می‌کنم.

■ **پس افزایش این تعاملات منافی‌ه فرار از عرصه کتاب و حتی در مسیر تحقق دیپلماسی فرهنگی برای کشورمان به دنبال دارد؟**

بله، اینها طی سفر به کشورمان متوجه

تصاویر اشتباهی می‌شوند که ارائه شده و آن‌وقت است که هرکدام در بازگشت به کشور خود همچون سفیری فرهنگی برای ما عمل خواهند کرد. اهالی رسانه و کتاب در غرب و آمریکا اعتبار بسیاری نزد مردم دارند. کافی است یادداشت یا مقاله‌ای در این رابطه بنویسند و در جلسات ادبی واقعیت دیده‌های خود را مطرح کنند تا حتی بر افکار عمومی اثر بگذارند. تأثیر این مسأله به حدی است که در طولانی‌مدت حتی از منظر سیاسی و اقتصادی هم مؤثر خواهد بود. حداقل فرصتی فراهم می‌شود که به آنان نشان بدهیم که مردمی صلح‌طلب و برخوردار از تمدنی چند هزارساله هستیم که شناخت خوبی هم از ادب و هنر جهان داریم. اغلب دوستان آلمانی من به ایران سفر کرده‌اند و حتی مشتاق سفرهای بعدی هستند. برای پیشرفت و معرفی ادبیات داستانی‌مان به تلاش‌هایی فراتر از اشخاص و از سوی متولیان فرهنگی نیاز داریم، آن‌هم در صورتی اثرگذار خواهد بود که با اعمال سلیقه همراه نشود.

■ **بحث رفت‌وآمد برخی نویسندگان آلمانی به کشورمان مطرح شد، چقدر با نویسندگان امروز ادبیات داستانی ما شانه‌ستند؟**

کارهای محمود دولت‌آبادی و امیر حسن چهلتن به آلمانی ترجمه شده که این اتفاق بسیار مهمی است. جالب است بگویم منزل یکی از دوستان آلمانی ام رفته بودم که روی میز کتاب محمود دولت‌آبادی را دیدم و برای من باعث افتخار بود که یک معلم آلمانی، اثر استاد دولت‌آبادی را می‌خواند. چرا؟ برای این‌که به ایران سفر کرده، علاقه‌مند شده و پیگیر ادبیات داستانی‌مان شده. البته بحث نویسنده‌ای همچون دولت‌آبادی قدری متفاوت است؛ آثار او در کشورهای مختلفی منتشر شده و این اتفاقی است که می‌تواند برای دیگر نویسندگان ما هم به‌شرط رعایت ملزوماتی که اشاره شد رخ بدهد. ما هم نویسندگان بااستعداد داریم، منتهی فقدان منتقدان ادبی باعث شده نویسندگان جوان خود را ملزم به تلاش بیشتر و مطالعه مدوام نبینند. بازگردیم به رمان «دختر راه دور» و این که چرا اغلب به سراغ نویسندگان جدید یا حداقل آثاری که پیش‌تر ترجمه نشده باشند می‌روم. حوزه کار من زبان و ادبیات آلمانی است و به‌همین منظور هم علاقه‌مند هستم که نویسندگان تازه‌نفس امروز این جغرافیا را به مردم معرفی کنم، البته که هیچ‌گاه کتابی را ترجمه نمی‌کنم مگر آن‌که از مطالعه‌اش لذت ببرم و همچنین آن را کار قابل‌توجهی بدانم. کار در حوزه کتاب به شکلی است که هرچه بیشتر مخاطب، شما را بشناسد ناچار به اعمال حساسیت‌های بیشتری هستید. مخاطب کتابخوان ایرانی بسیار باهوش است و فرق میان ترجمه اصولی و سرسری را می‌فهمد. حتی متوجه می‌شود با اثری از میان رفته بر اثر تمیزی طرف است یا ترجمه‌ای وفادار به نوشته اصلی. از همین رو آن‌طور نیست که حالا بعد از سال‌ها کار خودم را در فلان جایگاه ببینم، برعکس معتقدم که هنوز در حال بالا رفتن از این کوه هستم و خواهان بهتر شدن هستم. اگر تصور کنیم در فراز قله ایستاده‌ایم، دچار توقف می‌شویم و چه بسا که در مسیر رو به پایین گام خواهیم گذاشت. به‌همین دلیل همواره از هر انتقادی درباره کارم استقبال می‌کنم چراکه به نفع خودم است.

■ **روایتی که نه تنها در پیشبرد ادبیات مؤثر است بلکه به مخاطبان هم در مطالعه آثار خوب کمک می‌کند!**
اتفاقاً به نثر ثالث پیشنهاد کرده‌ام که چنین کاری انجام بدهند. باینکه شرایط نقد در کشور ما تفاوت بسیاری با سایر نقاط جهان دارد، اما می‌توان در قدم اول آن را با چند نویسنده شناخته‌شده شروع کرد که چند خط درباره کتاب بنویسند و در قدم بعدی هم می‌توان به سراغ رسانه‌های جدی در زمینه کتاب رفت. بالاخره این کاری است که باید از جایی شروع شود تا در عرصه نشر رمان هم‌گير شود. البته این را در چاپ دوم حداقل یک اثر تألیفی دیدم، اما اگر از همان چاپ اول انجام شود اثرگذاری بیشتری خواهد داشت. مخاطبانی که باوجود شرایط اقتصادی و مشکلات فعلی

خودم است.

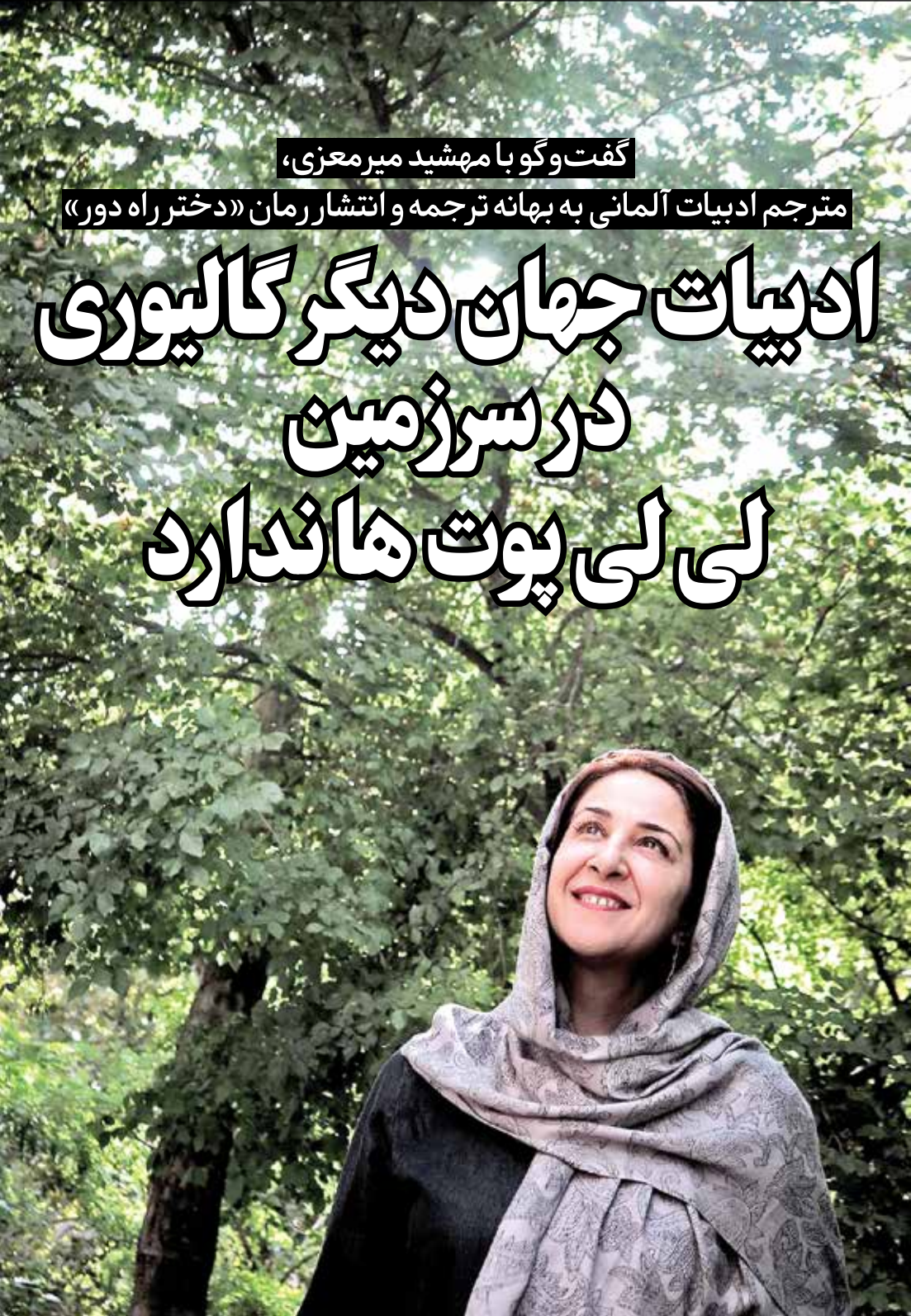
■ **در شرایطی که بزرگانی همچون کامران فانی یا عبدالحی دستغیب گالیله دارند که هنوز نقد ادبی آن‌طور که باید در کشورمان شکل نگرفته، می‌توان به کارکرد نقد امیدوار بود؟**

وقتی استاد فانی درباره مسأله‌ای اظهار نظر کنند هرگز خودم را در مقام مخالفت نمی‌بینم، هرچند که من هم معتقدم ما هنوز نقد حرفه‌ای نداریم یا اگر داریم هم ناچیز است. وقتی نقد خوب و بدون غرض درباره اثری نوشته شود، صاحب آن را به جلو هدایت می‌کند. در ابتدای گفت‌وگو بحث «ایریس رادیش» به میان آمد که سال میلادی گذشته معتبرترین جایزه ادبی حوزه نقد را کسب کرد، نقدی که فردی همچون او بر کاری بنویسد حتی درباره میزان استقبال مخاطبان تعیین تکلیف می‌کند. چرا اینقدر اعتبار دارد؟ به این‌خاطر که هرگز مغرضانه سراغ اثری نرفته و این موضوع طی سال‌ها به مخاطب آلمانی ثابت شده است. منتقد حرفه‌ای به کسی نان قرض نمی‌دهد! یکی از مهم‌ترین

گفت وگو با مهشید میرمعزی،

مترجم ادبیات آلمانی به بهانه ترجمه و انتشار رمان «دختر راه دور»

ادبیات جهان دیگر گالیوری در سرزمین لی‌لی پوت هاندارد



رژا مهرپریان ایران

هستیم، جوانانی که همچنان تحت‌تأثیر این اتفاق داستان و رمان می‌نویسند. آنان همچنان به دنبال گوشزد کردن تبعات جنگ هستند. این که جنگ چیست و با انسان‌ها چه می‌کند. مسأله اصلی تنها جنگ جهانی دوم نیست؛ برای آنان بحث توجه به تاریخ و از سویی انسانیت در میان است. البته آن‌طور نیست که بگویم این تأثیر را مستقیم در همه آثار می‌بینید؛ گاهی حضور جنگ جهانی دوم در زمینه داستان‌ها غیرمستقیم است. این یادآوری برای آن است که دیگر با چنین فجایی روبه‌رو نشوند. اما درباره ارزیابی‌ام از سطح کیفی آثار ادبی امروز آلمان: معتقدم درگذشت «گوتتر گراس» به معنای پایان دوره غول‌های ادبی جهان بود؛ هرچند که یوسا را هم می‌توان یکی از اینها دانست. نگاه کنید در گذشته چه افرادی برنده نوبل می‌شدند؟ کامو، سارتر و... ولی حالا چه افرادی؟ سطح نویسندگان امروز در همه جهان به شکلی شده که نمی‌توان تفاوت بسیار مشهودی میان آثار آنان دید. امروز شاید خبری از آن غول‌های ادبی نباشد، اما نکته مهم این است که در همه‌جا دنیا با استعدادهای خوبی مواجه هستیم منتهی دیگر کشورها بستر لازم برای تربیت و رشد نویسندگان خود را فراهم می‌کنند. آنان شرایط لازم را برای ورود استعداد‌های تازه به ادبیات و از سویی رشد جوانان ایجاد می‌کنند. اما اینجا به‌گونه‌ای است که شاید فلان پیستچی تا آخر عمر نفهمد که می‌توانسته نویسنده‌ای شاخص شود. نویسندگان امروز آلمانی تقریباً در یک سطح هستند؛ آن‌طور نیست که یک‌باره یکی از آنان همچون گالیور در سرزمین «الی‌لی پوت» بایستد.

■ **و این نویسندگان جوان چقدر توانسته‌اند از سنگینی سایه غول‌های آلمانی همچون هرمان هسه، گوته و... سر بر آورند؟**

تصویری که اغلب از کشورهایی همچون ایران در غرب و آمریکا ارائه می‌شود چندان خوب نیست؛ آنها هنوز هم فکر می‌کنند ما ملتی عقب افتاده‌ایم. به‌همین خاطر از مواجهه با واقعیت تعجب می‌کنند که مگر اینها ملتی عقب‌افتاده نیستند؟ پس چطور است که سارتر را می‌شناسند، کامو را خوانده‌اند و می‌دانند جریان روز ادبیات جهان چیست!

این‌ها خودشان را نشان داده‌اند اما مگر می‌توان از سایه گوته خارج شد؟ مگر ما می‌توانیم سایه مولانا و حافظ را کنار بزنیم؟ از سنگینی سایه مولانا نه فقط ما ایرانیان، بلکه کل جهان نمی‌توانند بیرون بروند. تلاش می‌کنند اما این دغدغه فکری‌شان نیست که من می‌خواهم جایگاه گوته را داشته باشم. آلمانی‌ها خیلی واقع‌بین هستند، دچار توهم نشده‌اند که باید فلان کار را بکنند. قرار نیست هیچ نویسنده‌ای بقصد کنار زدن بزرگان ادبی وارد عرصه شود.

■ **سؤال آخرین که در روزهای فعلی که اغلب گرفتار کرونا و مشکلات آن هستیم چه می‌کنید؟ ترجمه کتابی را به پایان رسانده‌اید؟**

وقتی کرونا شیوع یافت همچون دیگران تصور می‌کردم نهایت پنج-شش ماه بعد رها می‌شویم. به خودم گفتم حالا که قرار است مدتی را در قرنطینه سپری کنم باید کار ماندگاری انجام بدهم، بنابراین ترجمه کتابی را آغاز کردم که پیش‌تر به سراغ نویسنده‌اش رفته بودم. البته ترجیح می‌دهم فعلاً به‌نام آن اشاره‌ای نکنم. پدرم زمانی که ترجمه اولین کتاب این نویسنده را به فارسی می‌خواند، مدام به مادرم می‌گفت دخترمان چقدر برای این کتاب زحمت کشیده است. متأسفانه سال گذشته پدرم را از دست دادم، اتفاق تلخی که هنوز هم از آن خلاصی نیافته‌ام. عجیب این‌که فضا و ماجرای داستان کتاب جدیدم، شباهت بسیاری با شرایط آن روزهای پدرم، بیماری و حتی احساسات او دارد، از همین بابت هم وقتی کار ترجمه‌اش را آغاز کردم به خودم گفتم آن را برای پدرم انجام می‌دهم.

این را گفتم که بدانید این کتاب برای من اثری متفاوت از سایر ترجمه‌هایی است که تا به امروز انجام داده‌ام؛ کاری خاص برای یک پدر خاص. همه فکر می‌کنند پدر آنان بهترین پدر دنیا است، من هم این‌طور فکر می‌کنم و از همین بابت با حساسیتی بسیار ترجمه‌اش را شروع کردم. حتی بدون یک روز استراحت و با دقت فراوان آن را انجام دادم؛ بویژه که بحث یک رمان فلسفی سخت و بسیار زیبا هم در میان بود. حالا نه فقط خانواده، بلکه حتی دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟ ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌اند. جمله‌ای به نقل از آقای صفر تقی‌زاده به یاد مانده، این که: «دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.**

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟**
ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌اند. جمله‌ای به نقل از آقای صفر تقی‌زاده به یاد مانده، این که: «دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟**
ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌اند. جمله‌ای به نقل از آقای صفر تقی‌زاده به یاد مانده، این که: «دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟**
ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌اند. جمله‌ای به نقل از آقای صفر تقی‌زاده به یاد مانده، این که: «دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟**
ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌اند. جمله‌ای به نقل از آقای صفر تقی‌زاده به یاد مانده، این که: «دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟**
ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌اند. جمله‌ای به نقل از آقای صفر تقی‌زاده به یاد مانده، این که: «دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟**
ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌اند. جمله‌ای به نقل از آقای صفر تقی‌زاده به یاد مانده، این که: «دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟**
ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌اند. جمله‌ای به نقل از آقای صفر تقی‌زاده به یاد مانده، این که: «دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟**
ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌اند. جمله‌ای به نقل از آقای صفر تقی‌زاده به یاد مانده، این که: «دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟**
ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌اند. جمله‌ای به نقل از آقای صفر تقی‌زاده به یاد مانده، این که: «دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟**
ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌اند. جمله‌ای به نقل از آقای صفر تقی‌زاده به یاد مانده، این که: «دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟**
ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌اند. جمله‌ای به نقل از آقای صفر تقی‌زاده به یاد مانده، این که: «دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟**
ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌اند. جمله‌ای به نقل از آقای صفر تقی‌زاده به یاد مانده، این که: «دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟**
ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌اند. جمله‌ای به نقل از آقای صفر تقی‌زاده به یاد مانده، این که: «دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟**
ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌اند. جمله‌ای به نقل از آقای صفر تقی‌زاده به یاد مانده، این که: «دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟**
ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌اند. جمله‌ای به نقل از آقای صفر تقی‌زاده به یاد مانده، این که: «دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟**
ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌اند. جمله‌ای به نقل از آقای صفر تقی‌زاده به یاد مانده، این که: «دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟**
ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌اند. جمله‌ای به نقل از آقای صفر تقی‌زاده به یاد مانده، این که: «دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟**
ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌اند. جمله‌ای به نقل از آقای صفر تقی‌زاده به یاد مانده، این که: «دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟**
ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌اند. جمله‌ای به نقل از آقای صفر تقی‌زاده به یاد مانده، این که: «دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟**
ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌اند. جمله‌ای به نقل از آقای صفر تقی‌زاده به یاد مانده، این که: «دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟**
ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌اند. جمله‌ای به نقل از آقای صفر تقی‌زاده به یاد مانده، این که: «دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟**
ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌اند. جمله‌ای به نقل از آقای صفر تقی‌زاده به یاد مانده، این که: «دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟**
ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌اند. جمله‌ای به نقل از آقای صفر تقی‌زاده به یاد مانده، این که: «دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟**
ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌اند. جمله‌ای به نقل از آقای صفر تقی‌زاده به یاد مانده، این که: «دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟**
ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌اند. جمله‌ای به نقل از آقای صفر تقی‌زاده به یاد مانده، این که: «دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟**
ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌اند. جمله‌ای به نقل از آقای صفر تقی‌زاده به یاد مانده، این که: «دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟**
ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌اند. جمله‌ای به نقل از آقای صفر تقی‌زاده به یاد مانده، این که: «دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟**
ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌اند. جمله‌ای به نقل از آقای صفر تقی‌زاده به یاد مانده، این که: «دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟**
ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌اند. جمله‌ای به نقل از آقای صفر تقی‌زاده به یاد مانده، این که: «دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟**
ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌اند. جمله‌ای به نقل از آقای صفر تقی‌زاده به یاد مانده، این که: «دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟**
ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌اند. جمله‌ای به نقل از آقای صفر تقی‌زاده به یاد مانده، این که: «دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟**
ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌اند. جمله‌ای به نقل از آقای صفر تقی‌زاده به یاد مانده، این که: «دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟**
ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌اند. جمله‌ای به نقل از آقای صفر تقی‌زاده به یاد مانده، این که: «دوستان بسیار من هم وقتی به سراغ این کتاب می‌روند، این نشان می‌دهد که اعتقادات دینی هنوز در تار و پود بودیت وجود دارد و در نهایت مشغول کاری می‌شود که به کلیسای ختم می‌شود.

■ **نازخورد این رمان در آلمان چطور بوده؟**
ترجمه این کتاب را سه سال قبل انجام داده‌ام، جزئیات دقیق‌تری به خاطر من مانده است. استقبال خوبی از رمان «دختر راه دور» شده هرچند آن‌طور نیست که بگویم برای آن سر و دست شکسته‌